

سرانگشتان اکتوپلاسم که نوک تیز و دوکوار، بسیار کشیده بود، به نظر می‌رسید که به توده‌ای از ابر به پایان می‌رسد. من می‌توانم آنها را از فاصله بسیار نزدیک نگاه کنم. یکی از این انگشتان دوکوار را لمس می‌کنم. احساس می‌کنم به مایعی سرد دست زده‌ام. می‌توانم دستم را بر آن فشار دهم؛ حس میکنم دستم به استخوانی سرد و پوشیده از پوست برخورد می‌کند. دست روی زانویم قرار می‌گیرد و من تماس مختصر جسمی لطیف را حس میکنم. پس دست، خود به تنهایی فرا می‌رود؛ در حالی که بر ساقه‌ای بلند که آن را به زمین پیوند می‌دهد، در حالت تعادل قرار می‌گیرد و آوایی خفیف بر می‌آورد. دست و ساقه‌ای که به آن پیوسته است لختی بر زمین باقی می‌مانند. من دو استخوان ساعد را که از ابری پوشیده شده‌اند، به طور مبهم می‌بینم ...

شارل ریشه از پیشگامان تجلی و تجسد ارواح

بحث امروز در مورد اکتوپلاسم است. اکتوپلاسم به ماده‌ای گفته می‌شود که از بدن مدیوم خارج شده و می‌تواند شکل یک روح را به خود بگیرد آنقدر که اندام آن روح تشکیل شده و به اصطلاح تجسد یابد. در تعریف جوهر اکتوپلاسم آمده است: توده‌ای سپید رنگ که گاه سخت و ستر است. از دهان، پهلو یا از سر انگشتان مدیوم بیرون می‌آید. این توده سپید رنگ گاه بخار آسا است، به توده‌ای از مه درخشان می‌ماند. آنگاه که این توده مه آلود از سر مدیوم بیرون آمد می‌تواند نقطه‌ای از انباشتگی و تمرکز را نشان بدهد که بسیار درخشانتر است.

در مورد اکتوپلاسم هنوز مجهولات بسیار است عده‌ای آن را انرژی و گروهی آن را ماده تلقی میکنند. آنچه معلوم است این است که این ماده از بدن مدیوم بیرون می‌آید و سپس روحی که در جلسه احضار ارواح حضور دارد به کمک این ماده می‌تواند خود را به صورت یک انسان زنده ظاهر کند. در بعضی موارد دستها و پاها و صورت یک مرده تجسد یافته است. اما مواردی هم بوده اند که در آن بدن روح کاملاً مانند بدن هنگام زندگیش تجسد یافته.

مدیوم‌هایی که این کار را میکنند به طور خاصی قدرت احضار و تجسد ارواح را دارند. معمولاً عملیات تجسد روح به طور گروهی انجام می‌شد هم برای کنترل انرژی و هم برای جلوگیری از هرگونه تقلب احتمالی. ضمناً در این جلسات حتماً چند دوربین عکس برداری هم وجود دارد تا بتوانند از روح تجسد یافته عکس تهیه کنند.

در بعضی اوقات هم (از جمله در اولین جلسه تجسد روح که توسط دکتر ژلی و دستیارش در سال ۱۹۱۷ انجام شد) مدیوم در اتاق دیگری قرارداد شده که کاملاً محاط است و تنها در یک طرف پرده‌ای دارد به اتاق دیگری که از آن حاضرین مدیوم را تماشا کرده. بسیاری شهادت به دیدن چنین بدن‌هایی دادند. این بدن‌ها حتی در جلسه به اطراف حرکت کرده و با حاضرین به صحبت پرداختند. در جلسات تجسد ارواح ویلیام کروکز، او دست به یکسری آزمایشات زد که نتایج بسیار جالبی دارد. مثلاً او دو سکه را به

سیمی وصل کرد و آن را به گالوانومتر متصل نمود و هر دو سکه را روی بدن مدیوم قرار داد. در صورت وجود هر گونه تکانی بر اثر جرم عقربه گالوانومتر تکان بخورد اما با وجود تجسد عقربه هیچ تکانی نخورد. یا اینکه در هنگام تجسد وزن مدیوم را اندازه می گرفتند. وزن مدیوم در این هنگام به سه چهارم وزن طبیعی خود می رسید. و یا اینکه کروکز دست تجسد یافته روح را درون یک ظرف جوهر آبی فرو برد. دست رنگین شد. اما وقتی اکتوپلاسم دوباره به داخل بدن مدیوم فرو رفت در این وقت دست مدیوم رنگی نبود بلکه بازوی او رنگی بود. از طرفی آنچه فرضیه وجود این ماده از بدن مدیوم را قوت می بخشد ( که حالا تقریباً اثبات شده ) این است که در یکی از جلسات احضار ارواح فردی شکاک برای اینکه بفهمد کلکی در کار نیست ناگهان به بدن تجسد یافته حمله ور شد و آن را بغل کرد . اما آن روح تجسد یافته بلافاصله وارد بدن مدیوم شد و به مدیوم حالات بدی دست داد و تمام آن شب دچار تشنج شد و تا چند سال بعد همچنان بیمار بود.

به هر حال مسئله اکتوپلاسم مسئله است که در علم احضار ارواح هنوز ناشناخته های بسیاری دارد و هنوز برای ما مجهول است.